

**نویسندگان :** اندریو باسیویچ (Andrew Bacevich) و ادم واین ستاین (Adam Weinstein)

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2020-11-17»

**برگردان :** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

## « ترامپ » خواستار عقب نشینی از افغانستان و هراس و اشنگتن از خروج ؛ اما کنون وقت ترک از آنجا است

*Trump demands Afghan withdrawal and Washington panics ,but it,s Time to leave it*

هیچ شخص بطور جدی معتقد نیست که جنگ به معنای معنی دار آن قابل پیروزی است

*No serious person believes that the war is winnable in any meaningful sense*



جنگ در افغانستان شامل یک کارزار ضد شورش ، یک ما موریت ضد تروریسم و یک تمرین ملت سازی است که هیچ یک از این سه هدف توسط ایالات متحده برآورده نشد « عکس از Veronique de Viguerie » ویرایش توسط گیتی ایماژ

واشنگتن با ریتم ویا نظم میکا نیکی مکرر غیر مستقیم افغانستان را کشف و دریافت و سپس آن را فراموش میکند؛ الگوی که بیش از سه دهه یعنی از زمان حمله شوروی به آن کشور در سال (1979) ادامه داشته است؛ به ندرت سیاست های ایالات متحده در آنجا منعکس کننده ارزیابی واقعی منافع واقعی امریکا است؛ این الگو تا امروز ادامه دارد؛ تا جاییکه انتظار می رود دولت «ترامپ» با یک پا بیرون از در (with one foot out of the door)؛ قبل از اینکه او در ماه جنوری دفتر خود را ترک کند؛ دستور عقب نشینی نیروهای امریکایی را از افغانستان و همچنین عراق و سومالی صادر میکند.

با گزارش روزنامه پرتیراژ نیویارک تایمز روز دوشنبه قرار است که از جمله (4500) سرباز مستقر امریکایی نصف آنرا کاهش دهد.

میراث جنگ افغانستان برای امریکایی ها و افغان ها چیزی ناخوشایند و وحشتناک است. بیش از «2300» پرسنل نظامی ایالات متحده و حداقل «65000» سرباز و پلیس افغانستان کشته شده اند. از سال «2019» تعداد کشته شدگان غیر نظامیان افغانستان تقریباً «43,074» نفر بوده است که اکنون یعنی در سال «2020» در حال افزایش است که تا کنون «3000» نفر دیگر نیز بر آن تعداد اضافه شده است. از سال «2001 تا 2015»، تقریباً «833» عضو ویا اعضا و اندام های اصلی ارتش امریکا که در افغانستان خدمت می کردند قطع شده است، میزان خودکشی در میان جانبازان مدرن چیزی کمتر از یک اورژانس ی عاجل بهداشت عمومی نیست. با وجود این فداکاری گسترده، حدود «40» درصد از خاک افغانستان همچنان تحت مناقشه یا کاملاً تحت کنترل طالبان است. انتخابات ریاست جمهوری سال «2014» مورد مناقشه قرار گرفت و نیاز به میانجیگری به رهبری ایالات متحده و تحت حمایت سازمان ملل داشت که فقط یک با ند موقت را بر روی یک سیستم عمیقاً ناکارآمد قرار میدهد یا بر اریکه قدرت میرساند. انتخابات «2019» مجدداً نیاز به توافق سیاسی داشت که پشت درهای بسته مذاکره شد. فساد در دولت افغانستان چنان بومی ویا اصلی است که بازرسی کل ویژه بازسازی افغانستان (SIGAR) تنها در دهه گذشته گزارش داد که «19» میلیارد دلار در این کشور مفقود، کلاهبرداری ویا که از آن سو استفاده شده است. واز سوی دیگر افغانستان همچنان تولید کننده شماره یک تریاک در جهان است که به هروئین تبدیل می شود.

حتی در حالی که اختلال عملکرد جنگ به طور گسترده ای شناخته شده است، تعداد کمی از افراد در سیاست خارجی تمایل دارند که این احتمال را ادامه دهند که ادامه آن دیگر منافع ایالات متحده را تأمین نکند. در واقع، شایعاتی مبنی بر اینکه دولت ترامپ در حال خروج ممکن است جنگ را ببندد، پاسخی هراس انگیز را در پی دارد. گروهی از دیپلمات های دوران اوپاما و بوش اخیراً هشدار داده اند که چنین عقب نشینی یک اقدام "عجولانه، آسیب زننده و پرخطر" است. از نظر آنها، خروج عجولانه از جنگی که برای مردم امریکا «778» میلیارد دلار، بیش از «2000» نفر هزینه در بر داشته است و خسارت شهرت ناشی از دوران شکنجه و ناتوانی استراتژیک باعث خواهد شد تا کسانی که آرزوی آسیب رساندن به ایالات متحده را دارند "با شامپا بین یا چای نان تست کنند". حتی همانطور که شرکای ائتلاف ما از سال «2014» تاکنون عمدتاً از حاشیه این موضوع را مشاهده کرده اند، این دیپلمات های سابق نگرانند که با خروج سریع از پیوستن متحدان به تلاش های امنیتی آینده جلوگیری شود.

مسلماً، برنامه خروج «دولت ترامپ» کمتر از یک آرزو است. چالش های لجستیکی در بیرون کشیدن باقی نیروهای امریکایی تا پایان سال د لهره آور است. اما تنها گزینه پیشنهادی منتقدان، گروگانگیری نامحدود نیروهای ما در نتیجه "توافقنامه صلح" است که واشنگتن نمی تواند کنترل کند. این یک هدف فرار از توافق صلح کامل در کشوری با شکاف های پیچیده قومی، مذهبی و قبیله ای را جایگزین هدف دست نیافتنی شکست نظامی طالبان می کند. این یک نسخه برای ماندن در افغانستان برای همیشه است.

بر نامه ای که سال گذشته منتشر شد، برخی از همان دیپلمات‌های سابق با تأیید اینکه "[یک] اشتباه اساسی «دولت اوباما» تکرار مستمر تاریخ‌های عزیمت بود، مخالفت با تاریخ خروج آمریکا را مطرح کردند. اعلامیه‌های خروج دائماً قابل تغییر و قابل اعتنا برکنار، این ارزیابی از افزایش سه ساله «دولت اوباما» چشم‌پوشی می‌کند که منجر به اعزام (100000) سرباز آمریکایی به افغانستان شد، که در نتیجه (1044) کشته (13,622) زخمی و (8,693) غیرنظامی افغان در آتش متقابل کشته شدند. شبکه‌ای از پایگاه‌های عملیاتی پیشرو و پاسگاه‌های جنگی توهم کنترل ائتلاف بر مناطق وسیع افغانستان را ایجاد کرد، اما به محض پایان این روند، طالبان این دستاوردها را پس گرفتند. سوال واضح این است: چه زمانی کافی است، کافی است؟

هیئت تحریریه وال استریت ژورنال استدلال می‌کند که "[عقب‌نشینی کامل اما حمله طالبان-داعش به کابل را تضمین می‌کند و شکست و تحقیر به سبک سایگون (1975) امکان‌پذیر است]". برای هیئت تحریریه «47,434» کشته جنگی آمریکایی‌ها در ویتنام کمتر از آنچه به اندازه کافی است، با کاهش نیروهای ما و غیرنظامیان در افغانستان در مسابقه شطرنج منطقوی به عنوان یک پیاده، آنها ادعا می‌کنند که با خروج ایالات متحده از افغانستان؛ طالبان؛ ایران و تروریست‌های اسلامی افراطی ذینفع خواهند بود.

سوابق کلی ایالات متحده در افغانستان کاملاً بدون موفقیت هم نیست، که شامل رانندگی یا بیرون کرده شدن طالبان از اکثر شهرهای بزرگ و تضعیف القاعده است. تا سال «2017»، در حدود (33) درصد دختران افغان در مدرسه تحصیل می‌کردند و در سال «2020»، (27) درصد از نمایندگان مجلس زن‌ها بودند. واقعیت ناراحت‌کننده این است که این دستاوردها با تضمین‌های امنیتی ناچاریدار ایالات متحده و نه یک فرآیند فراگیر و ارگانیک عدالت انتقالی و توسعه امکان‌پذیر می‌شوند. واشنگتن ترجیح داد پیشرفت‌های سریع را به جای حرکات پایدار در کل کشور، در یک حساب‌کابل اجرا کند. پیشرفت در مراکز شهری توسط یک کارزار ضد شورش خشن و خشونت‌آمیز در حومه محلی که اکثریت افغان‌ها زندگی می‌کنند - از جمله «76» درصد از زنان افغان - مورد استفاده قرار گرفت. جدا کردن پیشرفت‌های افغانستان از چنین رنج‌های انسانی کوری و یا نابینایی عمدی است.

فرماندهان ایالات متحده به سخنان خود بمنظور خوش‌طعم ساختن با ارایه و یا شوو تصاویر سنگین سربازان آمریکا و افغان که پهلوی هم‌شانه‌به‌شانه علیه دشمن می‌جنگند قفل می‌زند. گرچه در مورد نحوه‌ترین واحد‌ها و یا جزوات‌های رزمی افغانستان که شجاعت آنها مثال‌زدنی دارد و یا درست است؛ اما کسری اعتماد در این کشور کاملاً محسوس است؛ چنانچه در سال (2012) سه سال بعد از هجوم آمریکا بر افغانستان؛ حملات سبز با حملات آبی سربازان افغان؛ منجر به (62) کشته شدن قوت‌های ائتلاف شد؛ که از جمله (35) نفر از آنها پرسونل آمریکایی بودند؛ و تقریباً از هر (شش) نفر تلفات آمریکایی ناشی از اقدامات خصمانه شرکای افغان‌نستان بود. گرچه واشنگتن مسولیت بیشتری را به عهده افغان‌ها می‌گذارد؛ حملات سبز به آبی با برادرکشی کامل در صفوف نیروهای رزمی افغانستان جاگزین می‌شود. در سال «2017»؛ (68) حمله داخلی انجام شده است که (62) مورد مربوط به کشته شدن پرسونل افغان دیگر افغان‌ها بوده است. فساد و فرسایش در ارتش افغانستان همچنین منجر به این شد که پنتاگون (30000) سرباز (شیخ) را از کتاب یا از لست نامویسی بیرون کند.

شاید این بن‌بست نظامی همان چیزی باشد که باعث شد؛ جنرال اوستین میلر (Austin Miller) فرمانده فعلی قوت‌های آمریکایی در کابل تصدیق کند؛ که یک رشته عملیات‌های ویژه جنگی وی تنها با استفاده از روش نظامی حل نخواهد شد که دیگر افسران ارشد ارتش ایالات متحده نیز با گفته‌ای او موافق هستند؛ هنگامیکه در سال (2019) از فرمانده وقت (cent com) جنرال جوزف ووتل (Joseph Votel) سوال شد که پیروز به چه شکلی قابل دریافت است؟ وی پاسخ داد: به نظر می‌رسد که توافق‌جانبین متخاصم در مذاکره است؛ و به نظر می‌رسد که منافع ملی ما را حفظ می‌کند؛ رهبران منتخب ما؛ و نه جنرال‌های ما؛ وظیفه دارند که شهادت تشخیص این را داشته باشند که جنگ مداوم در افغانستان دیگر به نفع ملی آمریکا نیست و نخواهد بود.

طرفداران مانند نیروها در افغانستان تصور می کنند که ایالات متحده با ادامه روند در این جنگ خود چیزی بسیار کم را از دست می دهد. اما حضور نامحدود در افغانستان بدون هیچ مدرکی فرض می کند که حضور نیروهای آمریکایی صلح را در منطقه پیش می برد. بدتر از آن، این مانع از ارزیابی و رسیدگی صحیح سلسله مراتب تهدیدهای مواجهه با ایالات متحده از واشنگتن می شود - واقعیتی که بیش از هر زمان دیگری در دوران «کوبید-19» آشکار است. جنگ در افغانستان شامل یک کارزار ضد شورش، یک مأموریت ضد تروریسم، و یک تمرین ملت سازی است. در هیچ یک از این سه هدف، ایالات متحده موفق نشده است. هیچ شخص جدی معتقد نیست که جنگ به معنای معنی دار آن قابل پیروزی است. با فشاری در این کار نامشخص صرفاً انداختن پول خوب پس از بد است. رئیس جمهور منتخب «بایدن» قول می دهد "بهتر بازسازی شود". اولین قدم برای انجام این کار، انحلال جنگها بی است که دیگری منافع ایالات متحده را تأمین نمی کند. اگر **ترامپ** موفق شود این "جنگ بی پایان" خاص را خاتمه دهد، به حسن نیت لطف خواهد کرد.

**چند سطر در مورد نویسندگان این مقاله :**



**اندرو.دی.رو.جی. باچویج**، استاد تاریخ و روابط بین الملل در دانشگاه بوستون، نویسنده کتاب "جنگ آمریکا برای خاورمیانه بزرگ: یک تاریخچه نظامی" است. وی همچنین ویراستار کتاب "قرن کوتاه آمریکایی" (مطبوعات دانشگاه هاروارد) و نویسنده چندین کتاب دیگر از جمله: "نقض اعتماد: چگونه آمریکایی ها سربازان و کشور خود را شکست دادند (پروژه امپراتوری آمریکا)"; "قوانین واشنگتن: مسیر آمریکا به جنگ دائمی"، "ستیزه جویی جدید آمریکایی: چگونه آمریکایی ها توسط جنگ اغوا می شوند"، "محدودیت های قدرت: پایان استثنای گرای آمریکایی" (پروژه امپراتوری آمریکا) و "جنگ طولانی A": تاریخ جدید سیاست امنیت ملی ایالات متحده از جنگ جهانی دوم".



**دام وینستین** همکار پژوهشی در موسسه کویبسی است

----- **با تقدیم سلام ها «2020-11-20»**